

## توصیف گروه‌های اسمی در گویش لری خرم‌آبادی

زینب محمد ابراهیمی<sup>۱</sup>\*

پروین م عبدی<sup>۲</sup>

### چکیده

نظریه گروه نقشی حرف تعریف یکی از تعدیل‌های صورت گرفته در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی است که در توصیف و تحلیل گروه اسمی، تحول عمده‌ای پدید آورد. به طور مثال مجموعه‌ای از فرافکنی‌های نقشی خاص در سطوح بالاتر از اسم به کار می‌رود. در سطح بالاتر از گروه اسمی در گویش لری خرم‌آبادی، گروه‌های نقشی شمار، حرف تعریف و اضافه به کار می‌رود. گروه‌های نقشی مربوط به اسم بر گروه اسمی هیچ گونه نقش معنایی فرافکنی نمی‌کنند بلکه هر کدام ویژگی‌های نحوی خاصی را به گروه اسمی می‌افزایند. گروه نقشی حرف تعریف، از راه ویژگی‌های نحوی خاص حروف تعریف، به گروه اسمی ساخت و معنی مناسب تخصیص می‌دهد. گروه اضافه نیز از راه ویژگی نحوی اضافه و رابطه افزودگی، گروه اسمی را گسترش می‌دهد. تحقیق حاضر، گروه‌های نقشی مربوط به اسم را در گویش لری خرم‌آبادی بررسی و توصیف خواهد کرد.

**واژه‌های کلیدی:** گویش لری خرم‌آبادی، گروه اسمی، گروه حرف تعریف، گروه حرف اضافه‌ای، گروه نقشی

## ۱. مقدمه

یونانیان باستان از جمله نخستین کسانی بودند که به تنوعات گویشی توجه کردند و از تمایزهای میان گونه‌های گفتاری و نوشتاری یونانی باستان سخن گفتند. در اروپای قرون وسطی نیز نویسندگانی چون دانتیه به مطالعات گویشی توجه داشتند. این گونه مطالعات که بیشتر در مورد گویش‌های جغرافیایی بود همچنان ادامه یافت و در چند دهه پایانی قرن نوزدهم و دهه‌های آغازین قرن بیستم گسترش یافت.

تحولات سریع و شگرف زبان‌شناسی در نیمه دوم قرن بیستم از یک طرف ادعاهای جدیدی را مطرح کرده است که نیاز به مطابقت با داده‌های زبان‌های مختلف دارد و از طرف دیگر ابزارهای علمی و نظری را در جهت مطالعه زبان در اختیار دانش پژوهان قرار داده است. از این جهت مطالعه دقیق و زبان‌شناختی گویش‌های کشورمان امری ضروری به نظر می‌رسد. از سویی دیگر همگرایی رو به رشد گویش لری خرم‌آبادی به سوی زبان فارسی و کاسته شدن روز افزون تعداد گویشوران این گویش، نگارندگان را بر آن داشت تا توصیفی زبان‌شناختی از گروه‌های نقشی گروه اسمی (Noun Phrase=N<sup>n</sup>)، به عنوان بخشی از ساختار گویش لری خرم‌آبادی در پرتو اصول و نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی ارائه دهد.

### ۱-۱. خاستگاه قوم لر و گویش لری

بررسی‌های زبان‌شناسی و فرهنگی نشان دهنده پیوستگی قومی لرها با دیگر اقوام ایرانی، به ویژه شعبه پارسی است. لرها در گستره‌ای به وسعت ۴۰٪ از خاک کشور ایران پراکنده‌اند، (امان‌اللهی، بهاروند، ۱۳۷۰:۲) چه آن‌ها که در هسته اصلی این قوم ساکنند (مانند استان‌های لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، ایلام، همدان، کرمانشاه، اصفهان، مرکزی، فارس و هرمزگان) و چه آن‌ها که از پایگاه اولیه لرها به دورند (مانند لرهای ساکن استان کرمان که در دوره افشاریه و زندیه به آنجا کوچ کردند و یا لرهای ساکن استان‌های قزوین، گیلان، مازندران، قم و خراسان).

راویلسون (۱۳۶۲) زبان لری را مشتق از زبان فارسی باستان دانسته است و به اعتقاد مکینان (۱۹۷۷) گویش لری را می‌توان به دو شعبه باختری و خاوری تقسیم کرد که مرز جغرافیایی بین این دو، رودخانه‌ای است که لرستان و بختیاری را از هم جدا می‌کند و گویش لری شهر خرم‌آباد و اطراف آن در محدوده باختری قرار دارند. حوزه گسترش گویش لری خرم‌آبادی شامل مناطق جنوب و جنوب غربی لرستان است. همچنین مناطق تابعه شهرستان خرم‌آباد، به ویژه در نواحی جنوب و جنوب غربی، شهرستان پلدختر یا میانکوه و بخش‌های جنوبی شهرستان کوه‌دشت به این گویش تکلم می‌کنند. این گویش از جمله زبان‌های ایرانی جنوب غربی محسوب می‌شود که رابطه نزدیکی با زبان فارسی دارد و هر دوی آن‌ها (گویش لری و زبان فارسی) دنباله زبان فارسی میانه‌اند و گویش لری نزدیک به تقریباً هزار سال پیش از زبان فارسی جدا شده است (امان‌اللهی بهاروند ۱۳۷۰: ۵۳).

### ۱-۲. سؤالات و فرضیه‌های تحقیق

پژوهش حاضر قصد دارد به بررسی گروه‌های نقشی وابسته به اسم در گویش لری خرم‌آبادی بپردازد و بر این اساس در پی یافتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌های زیر است:

یک) گروه‌های نقشی مربوط به اسم در گویش لری خرم‌آبادی کدامند؟  
 دو) کارکردهای ساختی گروه حرف تعریف و گروه اضافه در گویش لری خرم‌آبادی چگونه است؟  
 با توجه به سؤالات مطرح شده فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:  
 یک) گروه حرف تعریف، گروه شمار و گروه اضافه، گروه‌های نقشی مربوط به اسم در گویش لری هستند.  
 دو) گروه حرف تعریف از راه ویژگی‌های نحوی به گروه اسمی، ساخت و معنی مناسب می‌دهد و گروه اضافه از راه ویژگی نحوی اضافه و رابطه افزودگی، گروه اسمی را گسترش می‌دهد.

## ۲. پیشینه تحقیق و چهارچوب نظری

در مورد اسم و گروه اسمی در زبان فارسی و گویش‌های ایرانی مطالعات گوناگونی صورت گرفته است و در همه تحقیقات صورت گرفته در این باره، اسم به عنوان هسته گروه در نظر گرفته شده است. در زیر به طور مختصر به تعدادی از تحقیقات که به طور مستقل در این راستا صورت گرفته است اشاره خواهد شد.  
 در زبان فارسی مشکوٰۃ‌الدینی (۱۳۵۷)، اسلامی (۱۳۷۳)، سقلاطون (۱۳۷۳)، دادپناه (۱۳۷۶) و لبافان‌خوش (۱۳۸۴) بر پایه نظریهٔ ایکس تیره به بررسی گروه اسمی در زبان فارسی پرداخته‌اند. غنی‌لو (۱۳۷۹) گروه اسمی زبان آذری را بر اساس ایکس تیره مورد بررسی قرار داده است. جلالی کندلوسی (۱۳۸۳)، ابراهیم‌پور کرد رودباری (۱۳۸۳)، و سلیمی خورشیدی (۱۳۸۵) گروه اسمی گویش مازندرانی، و عطایی (۱۳۷۰) گروه اسمی در گویش گیلکی را بر اساس نظریهٔ ایکس تیره مورد بررسی قرار داده‌اند. آرمیده (۱۳۷۱) و گرامی (۱۳۷۱) به بررسی گروه اسمی در گویش لری بختیاری مسجد سلیمان و لری بویر احمدی پرداخته‌اند، و فلاحی (۱۳۷۹) گروه اسمی گویش لری ملایری را بر اساس نظریهٔ ایکس تیره مورد بررسی قرار داده است. حاتمی عباد (۱۳۷۵) گروه اسمی گویش کردی کلیایی کرمانشاه، و احمدی (۱۳۷۸) نیز گروه اسمی زبان کردی را بررسی کرده‌اند. در مورد گروه اسمی گویش لری خرم‌آبادی تا کنون پژوهشی صورت نگرفته است. از این رو مطالعه حاضر قصد دارد گروه اسمی را در این گویش، به عنوان یکی از وابسته‌های گروه حرف تعریف و بر مبنای تعدیلات صورت گرفته در نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی مورد بررسی قرار دهد. نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی، نظریه‌ای دربارهٔ دستور همگانی است که در سال ۱۹۸۱ توسط چامسکی مطرح شده است. این نظریه که گاه نظریهٔ اصول و پارامترها خوانده می‌شود، شامل تعدادی اصول بنیادی و جهان‌شمول و همچنین شامل تعدادی پارامتر است. هر پارامتر نیز دارای دو ارزش یا وضعیت است که زبان‌ها از بین آن دو دست به انتخاب می‌زنند (دبیرمقدم ۱۳۸۳: ۴۲۳).

## ۳. روش پژوهش

این پژوهش برای بررسی فرضیه‌ها و پاسخ‌گویی به سؤالات بر اساس تحلیل محتوا و مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای پایه‌ریزی شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها ۱۰ گویشور بومی و میانسال به صورت تصادفی انتخاب شدند. گردآوری و استخراج داده‌های زبانی گویشوران بیشتر از طریق ضبط مکالمه‌های آن‌ها هنگام گفتگو با یکدیگر با

دستگاه ضبط صوت صورت گرفته است. در انتخاب گویشوران به جنسیت آن‌ها توجهی نشده است و آن‌ها به صورت تصادفی از میان گویشوران مسن، بومی، بی‌سواد و باسواد و ساکن اطراف خرم‌آباد (به جهت به دور بودن آنها از تأثیرات سایر گونه‌های زبانی) انتخاب شده‌اند و هیچ گونه اختلال در تکلم آن‌ها مشاهده نشده است. پس از انتخاب گویشوران و انجام مصاحبه و یا توزیع پرسش‌نامه، داده‌های مورد نظر آوانگاری گردیدند و بر مبنای نظریه اصول و پارامترها به روش توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفتند.

### ۳-۱. گروه اسمی و گروه‌های نقشی آن

لفظ گروه اسمی اولین بار توسط هریس در سال ۱۹۵۱ صریحاً به کار برده شد. وی آن را تکرار پذیرترین گروه در جمله محسوب می‌کند که می‌تواند نقش‌های زیادی را ایفا کند (ترسک ۱۹۹۱: ۱۸۹).

چامسکی در مقاله خود (۱۹۷۰) تحت عنوان «نکاتی پیرامون اسم‌سازی» به بررسی گروه اسمی پرداخت، اما پس از آن تقریباً تا ده سال بعد، دیگر کسی گروه‌های اسمی را مورد مطالعه قرار نداد و در حقیقت هیچ تحقیق مجزایی روی ساختار درونی گروه اسمی صورت نگرفت. ردفور (۱۹۸۸) مطابق با نظریه نحو ایکس تیره، به‌طور مشروح به بررسی گروه‌های اسمی در زبان انگلیسی پرداخته است. وی همه گروه‌های اسمی را دارای سه سطح  $[N'', N', N]$  می‌داند و هریک از وابسته‌ها، یعنی مشخص‌گرها، متمم‌ها، افزوده‌های پیشین و افزوده‌های پسین را در گروه اسمی توضیح داده است. کوپر (۱۹۹۲) در مورد گروه‌های اسمی نظریه جکنداف را به کار می‌برد و مؤلفه‌های نحوی را در مقابل مؤلفه‌های معنایی قرار می‌دهد. او گروه اسمی زبان انگلیسی را دارای ساخت سلسله مراتبی می‌داند و معتقد است که شاخه میانی گروه اسمی در بعضی موارد می‌تواند بیش از یک بار ظاهر شود و هر  $N'$  می‌تواند یک  $N''$  را به عنوان وابسته بپذیرد ولی این مسأله در مورد  $N''$  صدق نمی‌کند و  $N''$  نمی‌تواند به عنوان وابسته  $N''$  دیگر به کار رود (دادپناه ۱۳۷۵: ۱۴۱). هگمن (۱۹۹۴) نیز مانند ردفور به بررسی گروه‌های اسمی، مطابق با نظریه نحو ایکس تیره می‌پردازد و برای همه گروه‌های اسمی، قائل به سه سطح  $[N'', N', N]$  است. او به مطابقت هسته (head) با مشخص‌گرها (specifiers) توجه دارد اما به نقش افزوده‌ها (adjuncts) و کارکرد آن در گروه اسمی توجه نکرده است. تراسک (۱۹۹۱) نیز در مطالعات گروه اسمی، وجود هسته را جزء لاینفک و ضروری می‌داند و بین مشخص‌گر و توصیف‌کننده‌ها تمایز قائل شده است و بیان می‌کند که مشخص‌گر معرفه‌کننده است و توصیف‌کننده‌ها حاوی اطلاعات اضافی در خصوص هسته هستند.

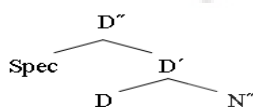
غلامعلی‌زاده (۱۳۷۶: ۲۸) می‌گوید هر گروه اسمی، یک اسم به منزله هسته گروه دارد و باقی واژه‌های آن، در واقع در حکم وابسته‌های پیشین و پسین آن اسم هستند. مشکوة الدینی (۱۳۷۹: ۱۳۷) آن واحد نحوی را که از یک یا چند واژه تشکیل می‌شود و واژه اصلی یا هسته آن اسم است، گروه اسمی نامیده است. به این ترتیب در گروه اسمی همواره یک اسم به عنوان واژه اصلی یا هسته به کار می‌رود و به واژه یا گروه‌هایی که در گروه اسمی به همراه هسته اسم به کار می‌روند، وابسته گفته می‌شود. گلفام (۱۳۸۴: ۱۵۳) اسم را یکی از مهم‌ترین طبقات واژگانی می‌داند که معمولاً برای اشاره به شخص، مکان یا چیزی به کار می‌رود. وی در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که بر اساس

ملاحظات زبان‌شناختی بهتر است در تعریف اسم از ملاک‌های توزیعی استفاده شود؛ به طور مثال حرف تعریف فقط قبل از اسم به کار می‌رود و برخی وندهای مشخص مانند پسوند جمع به اسم اضافه می‌شوند. به این ترتیب گروه اسمی را گروهی می‌داند که نقش هسته آن را یک اسم به عهده دارد. افراشی (۱۳۸۶: ۱۲۲) شناخته‌ترین ساخت به عنوان گروه اسمی را توالی اسم و صفت می‌داند که در زبان فارسی گاه، نه تنها تقدم و تاخر صفت و موصوف قابل تغییر است، بلکه تعدد و همپایگی صفت و تعدد و همپایگی موصوف نیز می‌تواند روی دهد. در ادامه گروه‌های نقشی مربوط به اسم توضیح داده می‌شوند.

### ۲-۳ گروه حرف تعریف

در همه تعریف‌هایی که از گروه اسمی در بالا ذکر شد، گروه اسمی به عنوان گروهی متشکل از چند واژه در نظر گرفته شده است که واژه اصلی یا هسته آن اسم است و تعدادی واژه در اطراف هسته وجود دارد که وابسته‌های اسم هستند. مطابق با این تعاریف حروف اشاره، صفات اشاره، کمیت نماها و کلمات پرسشی و کلمات تعجبی در مشخص‌گر گروه اسمی قرار می‌گیرند. پس از تعدیل‌های صورت گرفته در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی که اساساً در آثار ابنی (۱۹۸۷)، پولاک (۱۹۸۹)، کوپ من و اسپورتیش (۱۹۹۱) طرح شده است، گروه زمان ( $T = \text{tense phrase}$ )، گروه مطابقه ( $\text{agreement phrase} = \text{AGR}$ ) و عنصر نفی به عنوان گروه‌های نحوی مستقل تلقی شده‌اند (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۵۰۰). ابنی (۱۹۸۷) همچنین حرف تعریف را هسته تلقی کرده است و بنابراین گره فرافکنی بیشینه آن را گروه حرف تعریف ( $\text{determiner phrase} = D'$ ) نامیده است. در این صورت گروه اسمی، متمم حرف تعریف یعنی هسته، خواهد بود. بر این مبنا در نمودارهای درختی دیگر مستقلاً گروه اسمی نداریم، بلکه گروه‌های اسمی در بطن گروه حرف تعریف واقع می‌شوند (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۵۴۰). نمودار درختی (۱) این بازنگری را نشان می‌دهد.

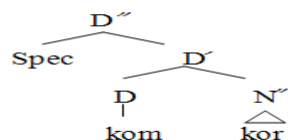
(۱)



نمونه‌های بعدی گروه اسمی را در بطن گروه حرف تعریف نشان می‌دهد:

- (۲) ?i kor<sup>1</sup>  
این پسر  
«این پسر»
- (۳) har kori  
هر پسری  
«هر پسری»
- (۴) Kom kor  
کدام پسر  
«کدام پسر»

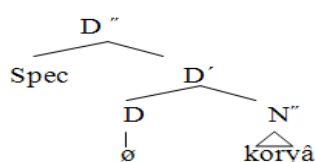
(۵)



(۶) Koryâ

پسران

(۷)



بر پایه آنچه گفته شد در زبان فارسی مجموعه‌ای از فرافکنی‌های نقشی خاص مانند گروه حرف تعریف و گروه اضافه ("ezafe phrase =Ez") در سطح‌های بالاتر از اسم به کار می‌رود (مشکوٰۃ الدینی، ۱۳۸۶: ۳۶۸). به نقل از ردفورد (۲۰۰۴) با ذکر تفاوت‌های صفت و حرف تعریف، به اثبات گروه حرف تعریف به عنوان گروهی مجزا می‌پردازد. در واقع، واژه صفت چگونگی حالت چیز، جانور، انسان و یا پدیده‌ای را بیان می‌کند و به همین لحاظ، تنها در صورت سازگاری معنایی با اسم همراه با آن به کار می‌رود. بر خلاف صفت، حرف تعریف به همراه همه واژه‌های اسم ظاهر می‌شود و بنابراین، معنی آن‌ها با معنی هر اسمی سازگار است. نمونه‌های زیر سازگاری یا عدم سازگاری صفت و اسم را نمایش می‌دهد:

- |      |          |               |  |
|------|----------|---------------|--|
| (۸)  | doxtere  | Zel           | با توجه به نمونه‌های ذکر شده در روبرو مشاهده می‌گردد که صفت تنها در صورت سازگاری معنایی به همراه اسم به کار می‌رود.  |
|      | دختر     | زرنگ          |  |
|      |          | «دختر زرنگ»   |  |
| (۹)  | yelâ     | Gap           | نمونه‌های (۲-۴) و (۸-۱۱) بیانگر این واقعیت هستند که برخلاف واژه‌های صفت، حروف تعریف فاقد هرگونه معنی واژگانی‌اند و فقط به معانی نحوی خاص اشاره می‌کنند، بنابراین مقوله دستوری آن‌ها از یکدیگر مجزا است. معنی نحوی به هیچ‌گونه پدیده مادی و یا غیرمادی در جهان بیرون اشاره نمی‌کند، بلکه تنها به معنی دستوری خاصی دلالت دارد، مانند معنای نحوی عنصر «زمان» در گروه نقشی زمان در سطح بالاتر از گروه فعلی (مشکوٰۃ الدینی، ۱۳۸۶: ۳۷۸). |
|      | خانه     | بزرگ          |  |
|      |          | «خانه بزرگ»   |  |
| (۱۰) | *dâre    | xanari        |  |
|      | درخت     | خندان         |  |
|      |          | *«درخت خندان» |  |
| (۱۱) | *derâyel | Tamal         |  |
|      | در       | تنبل          |  |
|      |          | *«در تنبل»    |  |

در گویش لری حروف تعریف شامل مجموعه واژه‌های زیر است:

الف)	ya,	yenâ,	va,	venâ,	heya,	heva	حرف اشاره مشخص:
	این	این،	آن،	آن،	همین،	همان،	
ب)	har,	kôł,	hič,	čeni,	Bazi,	fera	حرف اشاره نامشخص:
	هر	همه،	هیچ،	چنین،	بعضی،	خیلی،	
ج)	bazi,	felân,	harjur,	čenu	čajow,	čani	حرف تعجب:
	بعضی	فلان،	هرچور،	چنان،	عجب	چقد	
د)	četowr	čani,	čan,	čanjur,	či		حرف پرسشی:
	چطور	چقدر،	چند،	چندجور،	چی،		
ه)	ma,	tü,	?u,	?imâ,	šamâ,	?unu	ضمایر شخصی:
	من	تو،	او،	ما،	شما،	آن‌ها،	

ضمایر شخصی با دارا بودن معنی نحوی تلفیقی شخص و شمار به همراه اسم، یا به تنهایی به عنوان هسته گروه حرف تعریف به کار می‌روند (مشکوة الدینی ۳۷۲: ۱۳۸۶). نمونه‌های (۱۲) و (۱۳) و (۱۴) و (۱۵) نشان می‌دهد که ضمیر شخصی می‌تواند در جایگاه حرف تعریف ظاهر شود. بنابراین ضمیر شخصی نیز به عنوان هسته گروه حرف تعریف به همراه گروه اسمی به کار می‌رود (ادگر ۲۰۰۳: ۲۵۶).

(۱۲) šamâ bačo  
شما بچه‌ها  
«شما بچه‌ها»

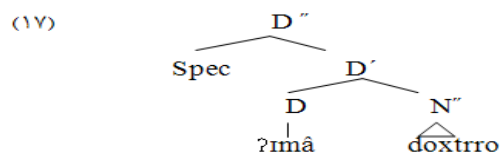
(۱۳) ?imâ koryâ  
ما پسرها  
«ما پسرها»

(۱۴) heya bačo  
همین بچه‌ها  
«همین بچه‌ها»

(۱۵) köł koryâ  
همه پسرها  
«همه پسرها»

چنانچه در نمونه‌های بالا مشاهده می‌شود، حروف تعریف فقط معنی نحوی خاصی دارند که از راه آن، گستره معنایی اسمی را که به همراه آن به کار می‌روند، محدود و معین می‌کنند (مشکوة الدینی ۳۷۲: ۱۳۸۶). نمودار درختی زیر گروه حرف تعریف با ضمیر را نشان می‌دهد:

(۱۶) ?imâ doxtero  
ما دختران  
«ما دختران»

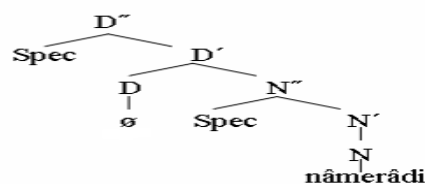


حرف تعریف که هسته گروه حرف تعریف است، ممکن است تجلی یابد یا به صورت یک مقوله تهی باشد. وقتی حرف تعریف تجلی آوایی ندارد، به وجود یک مقوله تهی ( $\emptyset$ ) قائل می‌شویم (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۶۰۸). به بیان

دیگر اسم خاص و یا گروه‌های اسمی بدون حرف تعریف در اصل گروه‌های حرف تعریف هستند، تنها با این تفاوت که حرف تعریف در آن‌ها پنهان یا تهی است. به عبارت دیگر حرف تعریف در این گروه‌ها صورت آوایی ندارد. از سوی دیگر لازم به ذکر است که میان حروف تعریف رابطه توزیع تکمیلی وجود دارد زیرا تنها یک جایگاه برای حرف تعریف مشخص شده است و تنها یک حرف تعریف در آن جایگاه ظاهر می‌شود. نمودارهای درختی زیر گروه حرف تعریف با حرف تعریف تهی ( $\emptyset$ ) را نشان می‌دهد:

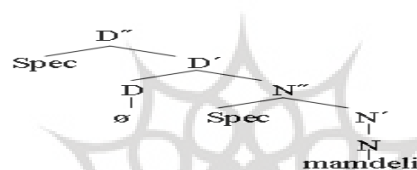
(۱۸) **nâmerâdi**

فقر



(۱۹) **mamdeli**

محمد علی



نمونم. نموم. نممونم

گروه‌های اسمی ذکر شده در نمونه‌های بالا را می‌توان با حرف تعریف نیز به کار برد، مانند:

(۲۰) **kôl nâmerâdi heya mamdeli**

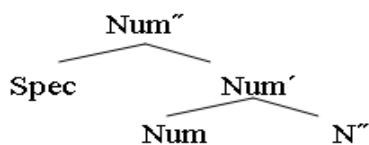
همه فقر همین محمد علی

امکان حضور یا عدم حضور گروه تعریف در جایگاه آغازین پیش از اسم، می‌تواند دلیل دیگری باشد بر در نظر گرفتن اسم و یا گروه اسمی به عنوان یکی از وابسته‌های گروه حرف تعریف.

### ۳-۳ گروه شمار

گروه شمار (Number Phrase=Num'') یکی دیگر از تعدیل‌های صورت گرفته در مقوله‌های نقشی است. بر این اساس هسته گروه حرف تعریف، گروه شمار را به عنوان متمم انتخاب می‌کند و هسته گروه شمار نیز به نوبه خود گروه اسمی را به عنوان متمم برمی‌گزیند. مطابق با این تحلیل عدد شمارشی و وابسته‌های آن زیر هسته گروه شمار قرار می‌گیرند و گروه اسمی در جایگاه متمم قرار می‌گیرد (همگن و گورن ۱۹۹۹:۳۲۸). در این صورت گروه اسمی متمم هسته گروه شمار محسوب می‌گردد. نمودار (۲۱) گروه شمار و نمودار (۲۲) نمونه‌ای از گروه شمار را در گویش لری نشان می‌دهد:

(۲۱)





(۲۲)    dü      gela      pašya  
          دو      تا      مگس

«دوتا مگس».

(۲۳)



### ۳- ۴ گروه اضافه

عنصر کسره اضافه «-» /e/ و ساخت اضافه در همه بررسی‌های دستور زبان فارسی، شناخته شده بوده است. در بررسی‌های یاد شده و در دستورهای سنتی، در ساخت اضافه، اسم آغازین را مضاف، کسره اضافه را نشانه اضافه و اسم پس از کسره اضافه را، مضاف الیه نامیده‌اند (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۸۶: ۳۷۶).

مشکوٰۃ‌الدینی (۱۳۸۶: ۳۷۷) به نقل از معین‌زاده (۲۰۰۶) بیان می‌کند که در سه دهه اخیر ساخت اضافه در زبان فارسی بر پایه نگرش‌های چندگانه‌ای توصیف و تحلیل شده است

(الف) با منظور کردن درج تکواژ کسره اضافه از راه کارکرد گشتار افزایش، در جایگاه پیش از گروه واژه متمم در گروه اسمی (سامیان، ۱۹۸۳)

(ب) با منظور کردن ساخت اضافه به عنوان گروه اضافه با هسته نقشی تکواژ اضافه «-» /e/ و در نظر گرفتن آن همانند بند کوچک (small clause) و بدون کارکرد قاعده‌های گشتاری (ماهوریان، ۱۹۹۳).

(ج) با منظور کردن درج کسره اضافه «-» /e/ در گروه اسمی، پس از هسته اسم و پیش از گروه واژه بعدی، از راه کارکرد قاعده پسا نحوی در بخش بازنمود صورت آوایی (قمیشی، ۱۹۹۶)

(د) با منظور کردن نشانه اضافه به عنوان عنصر نقشی و هسته گروه اضافه با متمم گروه واژه غیرفعلی، بدون کارکرد قاعده‌های گشتاری و در نظر گرفتن گروه اضافه مانند بند کوچک (معین‌زاده، ۲۰۰۶).

مشکوٰۃ‌الدینی (۱۳۸۶: ۳۷۸) نیز معتقد است که بر پایه نگرش مبتنی بر در نظر گرفتن کسره اضافه به عنوان عنصر نقشی و هسته گروه نقشی در زبان فارسی، برای ساخت اضافه تحلیل و توصیف مناسبی می‌توان به دست داد. کسره اضافه تنها، معنی نحوی ارتباط میان دو گروه واژه خاص در ساخت اضافه را داراست. در گویش لری خرم‌آبادی نیز توصیف کسره اضافه، به عنوان هسته گروه نقشی اضافه قابل قبول به نظر می‌رسد، تنها با این تفاوت که در این گویش در واژه‌های مختوم به واکه (نمونه ۲۵) این نشانه حتماً حذف می‌شود و گاه برخی ترکیبات اضافی (نمونه ۲۶) و وصفی نیز، هم با این نشانه به کار می‌روند و هم بدون این نشانه، مانند:

(۲۴)    kore      maš      hasan  
          پسر      مش      حسن

«پسر مش حسن»

(۲۵)    dâryâ      maxmalkü      hâre      ša:re      xormowa  
          درخت‌های      مخمل کوه      پایین      شهر      خرم‌آباد

«درخت‌های مخمل کوه پایین شهر خرم‌آباد»

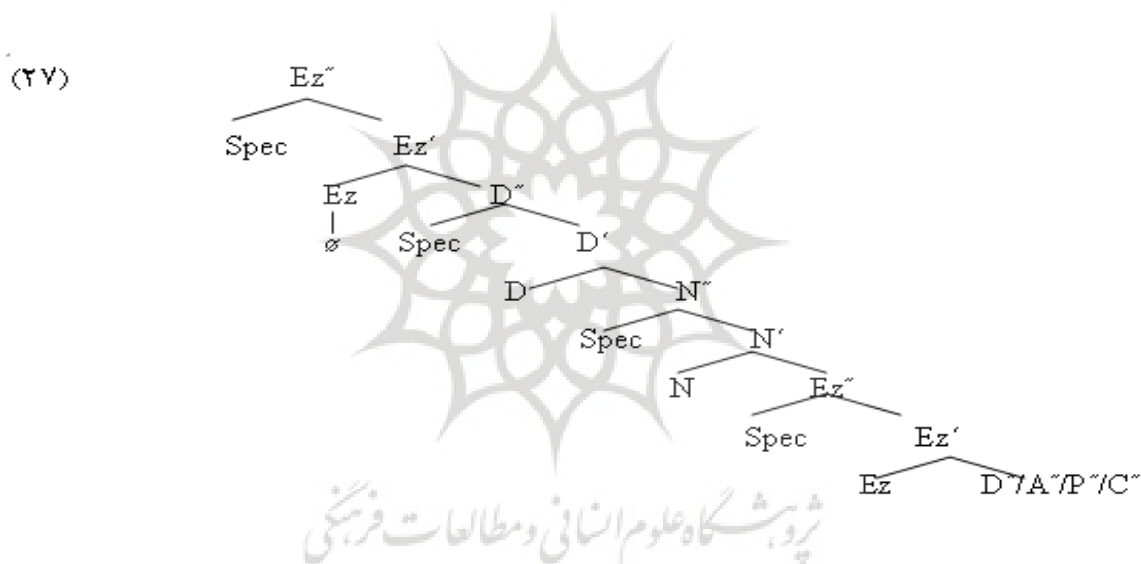
(۲۶)    derâvel      derâvele      velâ  
          در      در      خانه

«در خانه»

بنابراین گروه اضافه تنها به عنوان گروه نقشی خاص با عنصر نقشی هسته کسره اضافه در نظر گرفته می‌شود، به گونه‌ای که دو ویژگی نحوی دارد:

الف) به معنی نحوی خاص از جمله مالکیت، اختصاص، توصیف، تشبیه، استعاره و جز این‌ها اشاره می‌کند.  
 ب) به لحاظ تحلیل چند سطحی، در جایگاه متمم عنصر اضافه، گروه واژه (گروه حرف تعریف، گروه حرف اضافه‌ای، گروه صفتی و یا بند جمله ظاهر می‌گردد (مشکوٰۃ الدینی، ۱۳۸۶: ۳۷۸).  
 مشکوٰۃ الدینی (۱۳۸۶: ۳۸۲) معتقد است در زبان فارسی، گروه نقشی اضافه در سطح بالاتر گروه حرف تعریف، به کار می‌رود و از راه تکرار بازگشتی گروه اضافه، به طور بالقوه، امکان گسترش مناسب گروه اسمی به صورت نامحدود فراهم می‌گردد.

بر این اساس نمودار درختی گروه اضافه به صورت زیر نمایش داده می‌شود:

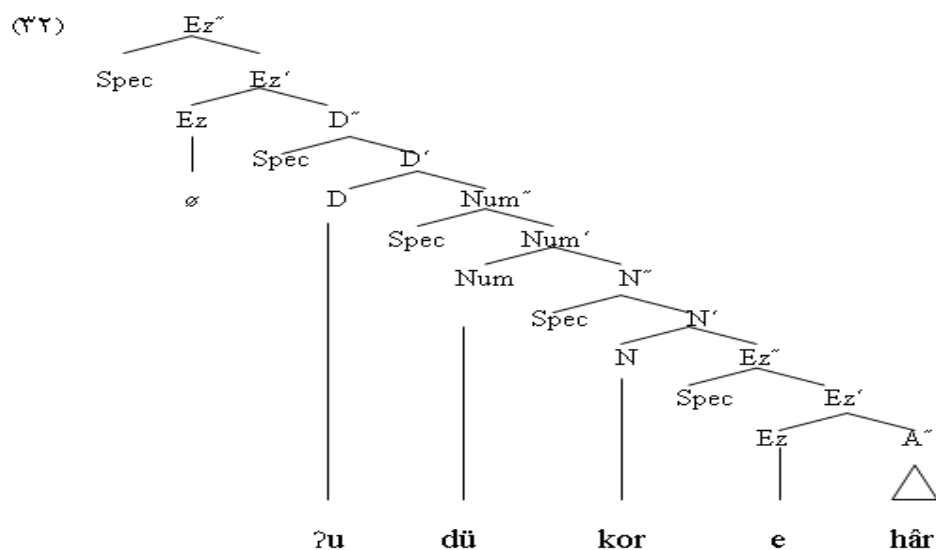


با توجه به نمودار بالا می‌توان گفت، عنصر اضافه از راه رابطه نحوی وابستگی، گروه حرف تعریف پایینی را به گروه حرف تعریف بالایی مرتبط می‌سازد و از این راه باعث گسترش گروه می‌گردد. نکته قابل توجه دیگر این است که در جایگاه متمم گروه اضافه، هر یک از گروه‌های حرف تعریف، گروه صفتی، گروه حرف اضافه‌ای (phrase prepositional=P) و گروه متمم نما ("complementizer phrase =C") به کار می‌روند. از سوی دیگر برابری نقش نحوی گروه متمم نما با گروه اسمی، گروه صفتی و گروه حرف اضافه‌ای با مقایسه نمونه‌های زیر مشهود است، که در آن‌ها به ترتیب درون قلاب گروه اسمی، گروه صفتی، گروه حرف اضافه‌ای و گروه متمم نما به کار رفته است، بنابراین، همان‌طور که حرف ربط گروه متمم نما را به گروه اسمی قبل از خود پیوند می‌دهد، کسره اضافه نیز می‌تواند یک گروه اسمی را به گروه اسمی، گروه صفتی، گروه حرف اضافه‌ای و گروه متمم نما پیوند دهد.

- (۲۸) الف)  $[\text{N}^{\sim} \text{d}^{\sim} \text{am}]$   $\text{kow}\check{\text{s}}\text{e}$   
 مادرم کفش  
 «کفش مادرم»  
 ب)  
 $[\text{C}^{\sim} \text{ke} \text{ hen} \text{ d}^{\sim} \text{ama}]$   $\text{kow}\check{\text{s}}\text{i}$   
 است مادرم مال که کفشی  
 «کفشی که مال مادرم است»
- (۲۹) الف)  $[\text{A}^{\sim} \text{armi}]$   $\text{kow}\check{\text{s}}\text{e}$   
 چرمی کفش  
 «کفش چرمی»  
 ب)  
 $[\text{C}^{\sim} \text{ke} \text{ de} \text{ \check{c}}\text{arma}]$   $\text{kow}\check{\text{s}}\text{i}$   
 است چرم از که کفشی  
 «کفشی که از چرم است»
- (۳۰) الف)  $[\text{p}^{\sim} \text{eb}^{\sim} \text{ara} \text{ kow}\check{\text{s}}]$   $\text{ba}:\text{se}$   
 کفش درباره بحث  
 «بحث درباره کفش»  
 ب)  
 $[\text{C}^{\sim} \text{ke} \text{ deb}^{\sim} \text{ara} \text{ kow}\check{\text{s}}\text{a}]$   $\text{ba}:\text{si}$   
 است کفش درباره که بحثی  
 «بحثی که درباره کفش است»

با توجه به نمونه‌های بالا، می‌توان گفت در ساخت اضافه، گروه متمم نما نیز با معانی و روابط نحوی برابر با گروه‌های اسمی، صفتی و حرف اضافه‌ای، در جایگاه متمم عنصر اضافه به کار می‌رود. در واقع، همان گونه که حرف ربط از راه رابطه وابستگی، گروه متمم نما را به گروه قبل از خود پیوند می‌دهد، عنصر اضافه نیز از راه رابطه نحوی وابستگی، گروه حرف تعریف پایینی را به گروه حرف تعریف بالایی مرتبط می‌سازد. از سوی دیگر همان طور که حرف ربط به عنوان هسته گروه متمم نما، در بند جمله اصلی تهی است، در گروه حرف تعریف نیز عنصر اضافه تهی یا صفر است (مانند نمودار ۲۷).  
 مثال زیر، گروه اسمی و گروه‌های نقشی مربوط به آن را نشان می‌دهد:

- (۳۱)  $[\text{Ez}^{\sim} [\text{D}^{\sim} \text{?u} [\text{Num}^{\sim} \text{d}^{\sim} \text{i} [\text{N}^{\sim} [\text{kor} [\text{A}^{\sim} \text{e} \text{ h}^{\sim} \text{ar} ]]]]]]$   
 شیطان - پسر دو آن  
 «آن دو پسر شیطان»



#### ۴. نتیجه‌گیری

گویش لری خرم‌آبادی از جمله زبان‌های ایرانی جنوب غربی محسوب می‌شود که رابطه نزدیکی با زبان فارسی دارد. گروه حرف تعریف، گروه شمار و گروه اضافه گروه‌های نقشی مربوط به اسم در این گویش هستند. گروه حرف تعریف در سطح بالاتر گروه شمار قرار می‌گیرد و از راه ویژگی‌های نحوی به گروه اسمی ساخت و معنی مناسب می‌دهد و گروه نقشی اضافه در سطح بالاتر گروه حرف تعریف به کار می‌رود و از راه تکرار بازگشتی این گروه، به طور بالقوه، امکان گسترش مناسب گروه اسمی را به صورت نامحدود فراهم می‌گردد.

#### پی‌نوشت‌ها

<sup>۱</sup>- آوایی که در گویش لری خرم‌آبادی و زبان فارسی متفاوتند، عبارتند از:

مشخصه آوایی	معادل فارسی	نمونه لری	آوای لری
نرم کامی، سایشی، واک دار	درب منزل	/derâyel/	Γ
چاکنایی، سایشی، واک دار	آمدن	/ʔomafie/	ɦ
کامی - لثوی، انسدادی - سایشی، واک دار	تکان	/ʃem/	ʃ
ناسوده، کامی، کناری، واک دار	محلّه	/maʎʎa/	ʎ
نرم کامی، خیشومی، واک دار	تفنگ	/tefeŋ/	ŋ
پیشین، بسته، گرد	دنیا	/dünyâ/	ü
پیشین، نیم بسته، گرد	کوتاه	/köʎ/	ö
پیشین، بسته، گسترده، نرم	شوهر	/mira/	ɪ
میانی، خشی، مرکزی	من	/mə/	ə

#### کتابنامه

آرمیده، مینا (۱۳۷۱). بررسی گروه اسمی گویش لری بختیاری مسجد سلیمان. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه تهران.

- ابراهیم‌پور، سیروس (۱۳۸۳). بررسی ساختمان گروه اسمی در گویش مازندرانی بر مبنای نظریهٔ ایکس تیره. پایان نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه تهران.
- احمدی، بهزاد (۱۳۷۸). بررسی گروه اسمی در زبان کردی بر اساس نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی. پایان نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- ارانسکی، یوسف. م. (۱۳۷۸). *زبان‌های ایرانی*. ترجمهٔ علی اشرف صادقی. تهران: انتشارات سخن.
- اسلامی، محرم (۱۳۷۳). توصیف وابسته‌های پسین در زبان فارسی بر مبنای نظریهٔ ایکس تیره. پایان نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه تهران.
- افراشی، آزیتا (۱۳۸۶). *ساخت زبان فارسی*، تهران: سمت.
- امان‌اللهی بهاروند، اسکندر. (۱۳۷۰). *قوم لری*. تهران: انتشارات آگاه.
- ایزد پناه، حمید (۱۳۸۶). *فرهنگ لری*. تهران: انتشارات آگاه.
- ثمره، یدالله (۱۳۷۴). *آواشناسی زبان فارسی*. آواها و ساخت آوایی هجا. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جلالی کندلوسی، مرتضی (۱۳۸۳). بررسی ساختار گروه اسمی در گویش غرب مازندران بر اساس نظریهٔ ایکس تیره. پایان نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- چامسکی، نوآم. (۱۳۸۰). *دانش زبان: ماهیت، منشأ و کاربرد آن*. ترجمهٔ علی درزی، تهران: نشر نی.
- حاتمی عباد. علی اشرف. (۱۳۷۵). بررسی گروه اسمی در گویش کردی کلیایی کرمانشاه. پایان نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- حقیقین، فریده (۱۳۸۲). بررسی صوری، نحوی و شناختی تعدی در زبان فارسی. رسالهٔ دکتری زبان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۴). *آواشناسی*. فونتیک. تهران: انتشارات آگاه. چاپ دهم.
- دادپناه، نغمه (۱۳۷۶). ساختار گروه اسمی در زبان فارسی بر مبنای نظریهٔ ایکس تیره. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۳). *زبان‌شناسی نظری*. پیدایش و تکوین دستور زایشی. تهران: سمت، ویراست دوم.
- رادمنش، مهوش (۱۳۸۰). جایگاه واژه‌های اصیل فارسی در مکالمات روزمرهٔ لری. پایان نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- راویلسون، ه. (۱۳۶۲). *سفرنامهٔ راویلسون*. ترجمهٔ سکندر امان‌اللهی. تهران: آگاه.
- سقلاطون، عباس علی (۱۳۷۳). بررسی گروه اسمی زبان فارسی بر مبنای نظریهٔ ایکس تیره. پایان نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- سلیمی خورشیدی، علی (۱۳۸۵). بررسی ساختمان گروه اسمی در گویش مازندرانی بر اساس نظریهٔ ایکس تیره. پایان نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- عطایی، افشین (۱۳۷۹). بررسی ساختمان گروه اسمی در گویش گیلکی بر اساس نظریهٔ ایکس تیره. پایان نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه تهران.

- غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۷۶). *ساختار زبان فارسی*. تهران: انتشارات احیاء کتاب.
- غنی‌لو، توکل. (۱۳۷۹). ساخت گروه اسمی در زبان ترکی آذری بر اساس نظریهٔ ایکس تیره. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه تهران.
- فتحی، آذر (۱۳۸۰). *راهنمای گردآوری گویش‌ها*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب پارسی.
- فلاحی، احمد (۱۳۷۹). ساخت درونی گروه اسمی گویش لری ملایری بر اساس نظریهٔ ایکس تیره. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه تهران.
- گلفام، ارسلان (۱۳۸۵). *اصول دستور زبان*. تهران: سمت.
- لبافان خوش، زهرا (۱۳۸۴). بررسی ساخت درونی گروه اسمی فارسی با توجه به سطح فرافکن وابسته‌های پسین. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه تهران.
- محمد ابراهیمی جهرمی، زینب (۱۳۸۲). بررسی ساختار گروه فعلی در زبان فارسی گفتاری معیار در مقایسه با زبان فارسی نوشتار معیار. رسالهٔ دکتری زبان‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۷۵). توصیف گروه اسمی زبان فارسی از دیدگاه دستور زایشی، رسالهٔ دکتری زبان‌شناسی. دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). *بررسی و چگونگی کارکردهای ساختی گروه‌های نقشی اسم*. مجموعه مقالات هفتمین همایش زبان‌شناسی ایران. جلد اول. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. ۳۶۷-۳۸۳.
- نجف‌وند، حمید (۱۳۸۶). *قواعد و دستور زبان همراه با فرهنگ لری لرستان*. تهران: انتشارات آگاه.
- یوسفیان، پاکزاد (۱۳۷۱). زبان بلوچی. گویش لاری: بررسی گروه اسمی. فعلی و قیدی. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه تهران.

- Abney, S. P. (1987). *The English Noun Structure in its Sententional Aspect*. Ph. D. Diss. Massachusetts Institute of Technology.
- Adger, D. (2003). *Core Syntax*. Oxford: Oxford University Press.
- Chomsky, N. (1957). *Syntactic Structure*. The Hague: Mouton.
- \_\_\_\_\_. (1981). *Lectures on Government and Binding*. Mass: MIT Press.
- Cowper, E. (1992). *A Concise Introduction to Syntactic Theory*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Crystal, D. (1992). 3rd edition. *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. London: Blackwell.
- Gomeshi, T. (1996). *Projection and Inflection: A study of Persian Phrase Structure*. Ph.D. dissertation. University of Toronto
- Haegeman, L. (1994). *Introduction to Government and Biding Theory*. Oxford: Blackwell.
- Haegeman, L. and Gueron, J. English. (1999). *Grammar: A Generative Perspective*. Oxford: Blackwell.
- Jackendoff, R. (1977)  $\bar{X}$  -Syntax: *A Study of Phrase Structure*. Cambridge M A: MIT Press
- Koopman, H. and D. Sportich. (1991). The Position of Subject. *Lingua* 85, 211-58.
- Kroeger, Paul. R. (2005) *Analyzing Grammar. An Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Mahootian, S.(1993). A Null Theory of Code Switching. Ph. D. dissertation .Northwestern. University.Illinois.
- Moinzadeh,A. (2006). The Ezafe Phrase in Persian: How complements are added to Ns As. *Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, 23 (1), 1-13.
- Pollock, J. Y.(1989). *Verb Movement*. Universal Grammar and the Structure of IP. *Linguistic Inquiry* 20,(3), 1-61.
- Radford, A. (1981). *Transformational Syntax*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Samiian, V. (1983). Structure of Phrase Categories in Persian: An X-Bar Analysis Ph.D dissertation. UCLA.
- Trask, R. L. (1991). *A Dictionary of Grammatical Terms in Linguistics*. London: Routledge.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی